

# **A Structural Analysis of the Shiite Imamate in the Islamic Government in the Age of Occultation based on the Opinions of Imam Khomeini (RA)**

Habib Hatami Kankaboud\*

(Received on: 2022-10-17; Accepted on: 2023-02-02)

## **Abstract**

The issue of government throughout human history has been one of the significant issues so that Muslims have sought to establish the political organization of the Islamic societies. Moreover, Shiites regard Imamate as a great example of the Islamic state and one of the pillars to administer the political system after the Prophet (PBUH), which is applied in the age of occultism in the form of Welayat-e Fagih (authority of the jurist). This study, taking a descriptive-analytical approach, explores the Shiite imamate with regard to the structure of the Islamic government in the age of occultation through the lens of the opinions of Imam Khomeini (RA) and the results reveal that the authority of the jurist is the main pillar of the Shiite system in the age of occultation and the most fundamental institution in the structure of the Islamic Republic system that, while talking about the separation of powers, because of the prevention of illegitimate and corruptive concentration of power, these systems of power are not independent from the leadership. In the thinking of Welayat-e Fagih (authority of the jurist), three theories were presented considering the boundaries of power: the Islamic nationalism, the absolute export of revolution, and the theory of Umm al-Qura (mother of all settlements). The opinions of Imam about the national and international boundaries of power are represented in various ways. Regarding the political activities of people, he believes that parties, communities, political associations, and religious minorities enjoy freedom as long as they do not conspire.

**Keywords:** Islamic government, Imamate, Shiism, the structure of the government, Imam Khomeini (RA)

---

\*Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Literature and Human Sciences, Lorestan University, Lorestan, Iran (Corresponding Author), hatami.ha@lu.ac.ir

## پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۲۲۸-۲۵۵

# تحلیل ساختاری امامت شیعی در حکومت اسلامی در عصر غیبت با تکیه بر آراء امام خمینی (ره)

حبیب حاتمی کنکبود<sup>۱</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۳۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳]

### چکیده

موضوع حکومت در طول تاریخ بشر، از موضوعات مهم بوده که مسلمانان هم تلاش کرده‌اند سازمان سیاسی جوامع اسلامی را پی‌ریزی کنند. شیعیان نیز «امامت» را به عنوان نمونه عالی دولت اسلامی و از ارکان اعتقادی برای اداره نظام سیاسی بعد از پیامبر(ص) می‌دانند که در عصر غیبت در قالب «ولایت فقیه» اعمال می‌شود. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی «امامت» شیعی در بعد ساختارحکومت اسلامی در عصر غیبت از دیدگاه امام خمینی (ره) پرداخته و نتایج به دست آمده حاکی است که ولایت فقیه، رکن اصلی نظام شیعه در دوره غیبت و اساسی‌ترین نهاد ملحوظ در ساختار نظام جمهوری-اسلامی است که در عین سخن از تفکیک قوا، به دلیل جلوگیری از تمرکز نامشروع و فساد برانگیز قدرت، این قوا نسبت به رهبری دارای استقلال نیستند. در تفکر «ولایت-فقیه» به لحاظ مرزهای قدرت، سه نظریه ملی‌گرایی اسلامی، صدور مطلق انقلاب و نظریه ام‌القری مطرح شده است که اندیشه‌های امام (ره) درباره مرزهای ملی یا فراملی قدرت، ظهورات متفاوتی دارد و در خصوص فعالیت سیاسی افراد معتقد است: احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و اقلیتهای مذهبی تا مادامی که توطئه نکرده باشند، از آزادی برخوردارند.

**کلید واژه‌ها:** حکومت اسلامی، امامت، ولایت فقیه، شیعه، ساختار حکومت؛ امام خمینی

<sup>۱</sup>. استادیار گروه معارف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

موضوع حکومت در طول تاریخ بشر، اگر مهمترین دغدغه انسان نبوده، لااقل یکی از چند موضوع درجه نخست در حوزه مطالعات و تحقیقات انسان بوده و هست. در تفکر اسلامی نیز در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که فهم درست و اجرای صحیح آن جز از طریق حاکمیت مرکزی شرعی امکان‌پذیر نیست.

در طول تاریخ تشیع موضوع امامت به عنوان استمرار وظایف نبوت شمرده شده (سبحانی، ۱۴۰۵ق، ص ۸۵) و با پدید آمدن انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (قدس سره) و به دنبال آن، تشکیل جمهوری اسلامی در دوران معاصر، بار دیگر بسیاری از نگاه‌ها به این سمت معطوف گشت که شیوه حکومت و حاکمیت در اسلام چگونه است؟ نظام سیاسی اسلام چیست؟ و یا چگونه می‌توان حکومت اسلامی ایجاد کرد؟ گرچه در این زمینه تحقیقاتی نگاشته شده لکن مهمترین تفاوت این نوشتار با امثال آن در بررسی ابعاد و نهادهایی است که با الگوی حکومت اسلامی تنظیم و به کارگیری شده‌اند.

روشن است که پاسخ به هر یک از این پرسش‌ها مجال وسیع می‌طلبد که از حوصله این نوشتار خارج است اما این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی برخی از مباحث آن از جمله: ادله تأسیس حکومت در عصر غیبت، عناصر و نهادهای حکومت دینی، مرزهای قدرت و شبکه قدرت در نظام جمهوری اسلامی می‌پردازد.

## ۱. دلایل تأسیس حکومت در عصر غیبت توسط فقها

تشکیل دولت و حکومت در همه شرایط، یک ضرورت اجتماعی بوده و این ضرورت مربوط به تمامی دوران‌های گذشته زندگی مدنی و اجتماعی بشر بوده است؛ چرا که ارتقای سطح والای زندگی فرد، بدون دولت امکان‌پذیر نیست. ابن خلدون، جامعه‌شناس و فیلسوف مسلمان قرن هشتم، در این باره می‌گوید: «رهبری و حکومت یکی از ارکان و عناصر لازم تمدن است و تا آنگاه که مردم از یک رهبر تبعیت نکنند، تمدن و عمران امکان‌پذیر نخواهد بود...» (ابن

خلدون، بی‌تا، ص ۴۳)

امیر مؤمنان (علیه السلام) هنگامی که در مقابل تمسک خوارج به آیه شریفه «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ» قرار گرفت، ضمن تأیید مضمون آیه، تمسک به آیه را نوعی خلط مطلب و برداشت نادرست معرفی نموده است. (نهج البلاغه، خ ۴)

علامه طباطبایی در بحث ولایت و زعامت در اسلام مسئله ضرورت تشکیل دولت اسلامی را از نقطه نظر فلسفه اجتماعی اسلام مورد بحث قرار داده و می‌فرماید: «یکی از ضروریات و واضحات احکام فطرت، همان مسأله ولایت است و به واسطه نهایت وضوح مطلب در زمان پیامبر از آن سؤال نشده، با اینکه از امور مختلفی که جزئی بود، مردم سؤال کرده‌اند». (طباطبایی، ۱۳۸۸ش، ص ۱۷۳)

شاید بتوان ادعا نمود که امروزه به جز طرفداران آنارشیسم کسی نیست که اصل ضرورت تشکیل و وجود حکومت را نپذیرفته باشد و تنها آنچه محل تأیید و تردید قرار گرفته شیوه حکومت‌داری و نحوه اداره زندگی اجتماعی انسان‌هاست که از دیرباز، محل بحث و گفتگو بوده است.

به همین خاطر است که امام خمینی (ره) در خصوص ضرورت حکومت می‌فرماید: «نهاد حکومت، آنقدر اهمیت دارد که نه تنها در اسلام حکومت وجود دارد بلکه اسلام چیزی جز حکومت نیست و احکام شرعی قوانینی است که یکی از شؤون حکومت است». (خمینی، بی‌تا، ص ۲۸ و ۲۹) و این احکام که غایت آنها اجرای حکومت است، مخصوص زمان پیامبر (ص) نبوده و محدود به زمان یا مکان نیست (فوزی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۱۴) و چون اجرای احکام تا ابد ضرورت دارد، تشکیل حکومت و دستگاه اجراء و اداره ضرورت می‌یابد. (خمینی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷۲) با این اوصاف، امام خمینی بر پیوند ناگسستنی دین و سیاست تأکید نموده، منشأ اعتبار حکومت را الهی می‌داند و حکومت‌های غیر آن را طاغوت معرفی می‌کند. از این رو، تشکیل حکومت الهی را برای تربیت انسان‌ها و حفظ نظام جامعه، بسط عدالت، رفع ظلم، حراست از مرزها، و دفع تجاوز بیگانگان، تکلیف دینی هر مسلمان می‌داند. (قاسمی‌پطروودی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۲۱) و یا در جای دیگر می‌گوید: «هر کسی اظهار کند که تشکیل حکومت

اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام اسلامی شده و جامعیت و جاودانگی دین مبین اسلام را انکار کرده است». (خمینی، بی تا، ص ۳۱) وی دخالت انسان در امور سیاسی را جزو وظایف دینی هر فرد معرفی نموده و از جمله موارد مهمی که مورد اشاره ایشان قرار می‌گیرد؛ حدیث اهتمام به امور مسلمین است. (کلینی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۶۴) استدلال می‌کند که: باید اهتمام به امور مسلمین داشته باشیم، اهتمام بر امر مسلمین این نیست که من بروم نماز بخوانم و او اقتدا کند، این که امر مسلمین نیست، این امر خداست، امور مسلمین عبارت از امور سیاسی و اجتماعی مسلمین است. (خمینی، صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۰)

## ۲. عناصر و نهادهای نظام جمهوری اسلامی

در اجرای قانون باید عناصر، نهادها و قوایی وجود داشته باشد که آن را در میان جامعه اسلامی و در برخورد با جوامع دیگر به اجرا در آورد و از این رو، قوه مجریه زاده شده و اجرای قوانین را به دست می‌گیرد و با عنایت به وجود سلیقه‌های متعدد جامعه و نیز انسان‌هایی که پا را از حق خود فراتر گذارده و حقوق دیگران را پایمال می‌کنند، ضرورت قوه قضاییه مطرح است. (فیرحی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲) نظام حکومتی جمهوری اسلامی نیز بر اساس همین نظریه از سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه تشکیل شده لکن فرقی که نظام تفکیک قوا (ر.ک: الیاسی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۴۷) در ایران با سایر کشورها دارد، وجود نهادی ویژه است که در هیچ یک از کشورهای دیگر وجود ندارد و آن هم، «ولایت فقیه» است که نقش هدایت و ساماندهی قوا را در این نظام بر عهده دارد که با وجود رهبری و ولی فقیه، نه تنها تفکیک و استقلال قوا دچار اختلال نشده، بلکه با هدایت و ارشاد این مقام، کارآمدتر نیز خواهد بود. از این رو، در ادامه نهاد ولایت فقیه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ر.ک: نائینی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۰۲، ۱۰۳، ۲۵۲)

### ۲-۱. ولایت فقیه (ولی فقیه)

تمام دیدگاه‌های فقهی در مورد نظام جمهوری اسلامی، شامل تعریف ولایت فقیه، حدود اختیارات فقیه حاکم و مبانی مشروعیت آن در حکومت جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده و فعال شده‌اند. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۳) از دیدگاه امام خمینی (ره) مقام

ولایت فقیه به عنوان رکن اصلی نظام امامت در مذهب تشیع در عصر غیبت معرفی شده و آن را امری بدیهی به شمار آورده و می‌فرماید:

«ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق می‌شود و چندان به برهان احتیاج ندارد. به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلامی را حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به «ولایت فقیه» برسد و آن را به تصور آورد، بی‌درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت». (خمینی، بی‌تا، ص ۵)

و این شبیه جمله مرحوم شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ هـ.ق) است که می‌فرماید: «منکر ولایت فقیه گویی چیزی از طعم فقه را نچشیده است»؛ (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ص ۳۷۴) نظریه ولایت فقیه اساس سیاست دوره غیبت در دستگاه فکری امام بوده و ایشان در این زمینه معتقد است:

«در عصر غیبت ولی امر و سلطان عصر (عج) نایبان آن حضرت که فقیهان جامع شرایط برای فتوا و قضاوت هستند، جانشین آن حضرت در اجرای سیاست و مسائل حکومتی و سایر امور مربوط به امام معصوم (به جز جهاد ابتدایی) هستند». (خمینی، تحریرالوسیله، ص ۱۶۲)

بسیاری از فقیهان ولایت عامه و مطلقه را اثبات نموده و معتقدند ولایت اختصاصی به قضاوت یا اجرای حدود الهی ندارد، بلکه همه شئون حکومتی و سیاسی را شامل می‌گردد. (جوادی آملی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۱۵)

برخی فقهایی که به ظاهر مخالف نظریه ولایت فقیه تلقی شده‌اند، در این زمینه نوشته‌اند: «آن چه از ظاهر کلمات شیعه (اصحاب) و اساتید به دست می‌آید این است که فقیهان در عصر غیبت منصوب به نصب عام می‌باشند. بنابراین، آنان از طرف امامان معصوم (علیهم السلام) ولایت بالفعل دارند» (ر.ک: منتظری، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۲۵)

## ۲-۲. خبرگان رهبری

در نظام جمهوری اسلامی ایران، مرجع خاصی برای تعیین رهبر به نام «مجلس خبرگان» مشخص شده که توسط انتخابات عمومی و هر ۸ سال یکبار انتخاب می‌شوند. قانون اساسی ۱۳۵۸ ش شرایط مختلفی برای تعیین رهبری معرفی نموده که یکی از آنها تعیین رهبری از

طریق پذیرش اکثریت مردم است. ر.ک: قانون اساسی، اصل ۵ سال ۱۳۵۸) مطابق این قانون، مهمترین وظیفه رهبر جامعه اسلامی، شامل ولایت امر مسلمین و تمامی مسئولیت‌های ناشی از آن بوده و در غیر این صورت، مجلس خبرگان باید صلاحیت افرادی که توان مرجعیت و رهبری را دارند مورد بررسی و مشورت قرار دهند. در بازنگری قانون اساسی سال ۶۸، اعضای بازنگری به این نتیجه رسیدند که پذیرش مردمی رهبر، مخصوص حضرت امام خمینی (ره) بوده و برای دوره‌های بعد از ایشان باید رهبر از طرف مجلس خبرگان انتخاب شود (صفار، ۱۳۷۲ش، ۴۸-۴۹) و رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت و در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است. (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵-۶)

## ۲-۳. قوه مجریه

بر اساس قانون اساسی «پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در مواردی که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد». (قانونی اساسی، اصل ۱۱۳) وی با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و با امضای رهبر قدرت سیاسی را به دست می‌گیرد. (همان، اصول ۱۱۰ و ۱۱۴)

در اندیشه‌های امام خمینی (ره) وجود گزاره «جمهوریت» در نظام اسلامی در عصر غیبت جایگاه ویژه‌ای دارد و از این حیث، نهاد ریاست جمهوری، به عنوان بالاترین نماد مردم‌سالاری دینی در اندیشه‌های ایشان محسوب می‌شود. حضرت امام (ره) مبتنی بودن حکومت بر قواعد و موازین اسلامی به علاوه تکیه بر رأی و مشارکت مردمی را به عنوان دو ویژگی حکومت مطلوب بیان نموده و از این جهت نوع حکومت «جمهوری اسلامی» را به عنوان تنها الگوی مشروع و مطلوب حکومت در دوران غیبت امام معصوم معرفی نموده است. (خمینی، ص حیفه امام، ج ۲، ص ۲۶۰) در اندیشه امام خمینی (ره)، اصل و اساس نظام سیاسی و هرم قدرت، با مشارکت و رأی مردم شکل می‌گیرد؛ البته چنین حکومتی به شرط آن است که «مبتنی بر ضوابط اسلام» باشد.

به طور خلاصه، همانطور که از بررسی اندیشه و رویکرد سیاسی حضرت امام(ره) مشخص است، ایشان به عنوان مبدع و نظریه‌پرداز نظام جمهوری اسلامی تلاشی دقیق و اساسی را در همسان سازی و برابری نظریه ولایت سیاسی فقیه و نظام جمهوری در جهان تشیع شروع نموده است.

#### ۲-۴. قوه مقننه

طبق اصل ۵۸ قانون اساسی، مصوبات نمایندگان مجلس شورای اسلامی که منتخبین مردم هستند، برای اجرا به قوه مجریه و قضاییه ابلاغ می‌گردد. (قانون اساسی، اصل ۵۸) امام خمینی(ره) قائل به «مجلس قانونگذاری» به جای «مجلس برنامه‌ریزی» بوده که برای وزارتخانه‌های گوناگون در سایه احکام اسلامی برنامه‌های خود را ترتیب می‌دهد؛ و با چنین برنامه‌هایی کیفیت انجام دادن خدمات و فعالیت‌های عمومی را در سراسر کشور تعیین می‌کند. (خمینی، بی تا، ص ۴۴)

از مهمترین ویژگی‌های چنین مجلسی، اسلامی و در عین حال ملی بودن آن است. بدین معنا که تمام تلاش خود را در راه تصویب قوانین موافق با احکام و مسائل شرع مقدس اسلام تنظیم نموده و برای عدم خروج از مبانی دینی از ظرفیت یک نهاد مهم مانند شورای محترم نگهبان بهره می‌برد که اعضای آن از فقهای اسلامی هستند؛ در عین حال برآمده از درون ملت بوده و دست حکومت‌های غاصب و ستمگر غرب و شرق و نیز وابستگان و دلبستگان به آنان را از سرنوشت مردم کوتاه نموده است. (خمینی، صحیفه امام، جلد ۱۸، ص ۴۲۰)

#### ۲-۵. قوه قضائیه

براساس نظریه جمهوری اسلامی، نهاد قضاوت و قوه قضائیه از مهمترین نهادها و دستگاه‌های حکومتی است که به طور انحصاری بر عهده فقیه حاکم است. امام خمینی(ره) پس از تحلیل ابعاد مختلف مسئله در رساله اجتهاد و تقلید، به این نتیجه می‌رسد که «منصب قضا مختص فقیهان است و غیر آنان را حظ و دخالتی نیست». (خمینی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۱۷)



حضرت امام با استناد به این نکته که «قضا در اسلام غیر قابل توکیل است و مباشرت فقیه اعتبار دارد»، توکیل در قضاوت را منتفی می‌داند؛ اما با استناد به سیره پیامبر اکرم و ائمه اطهار قائل به جواز نصب غیرفقیه برای منصب قضاوت است.

برخلاف نظریه‌های سنتی شیعه، در نظریه نظام جمهوری اسلامی اصل بر مجتهد بودن شخص قاضی بوده و مشروعیت قضاوت او مشروط به نصب از طرف فقیه حاکم است. از طرفی نیز هیچ قضاوتی خارج از نهاد رسمی دادگستری و محکمه اسلامی مشروعیت نداشته و در نهایت نیز شخص قاضی حق عمل نمودن به اجتهاد شخصی یا اجتهاد مخالف با قوانین مصوب و مدون در مجلس شورای اسلامی را ندارد. (فیرحی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۵۸)

مطابق اصل ۱۵۷ قانون اساسی، وظیفه انتخاب یک نفر مجتهد، عادل، آگاه به شرایط قضاوت، مدیر و مدبر به عنوان رئیس قوه قضائیه به عهده رهبری و حاکم نظام اسلامی بوده و شخص منتخب برای مدت پنج سال مسئولیت اداره آن قوه را در کلیه امور قضایی، اداری و اجرایی بر عهده دارد.

## ۲-۶. شورای نگهبان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۷۲ و ۹۶، مقرر کرده است که: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.» (قانون اساسی، اصل ۹۶)

امام (ره) ضمن تأکید بر موافقت کامل با شورای نگهبان، درباره محدودده اختیارات و وظایف شورای نگهبان معتقد است، «این شورا باید طوری فکر و عمل نماید که مواضع اسلام برای همیشه محفوظ بماند و نباید به صورت انتزاعی رفتار شود تا در مقابل مجلس و دولت ایستاد.»

(خمینی، صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۳-۴۴)

## ۲-۷. مجمع تشخیص مصلحت نظام

با وجود حساسیت‌ها، توصیه‌ها و حتی تلاش‌های حضرت امام (ره)، هم‌فکری و هم‌نظری میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی در تبیین و تفسیر قوانین ناظر به ضرورت و مصلحت استمرار و تداوم نداشت. از این رو، امام راحل (ره) اهمیت و لزوم رعایت «مصلحت نظام و مردم» را مد نظر قرار داده و با استناد به مفهوم «حکم حکومتی» و در پاسخ به درخواست سران دولت وقت (بهمن ماه سال ۱۳۶۶)، اقدام به تأسیس یک نهاد مستقل دیگر با عنوان «مجمع تشخیص مصلحت نظام» نمود. (ر.ک: همان، ج ۲۰، ص ۴۶۵)

قابل ذکر است که مجمع تشخیص مصلحت نظام در بازنگری قانون اساسی، در اصل ۱۱۲ گنجانده شده و اعضای ثابت و متغیر آن را مقام رهبری انتخاب می‌کند و این مجمع وظیفه برطرف نمودن اختلافات میان مجلس و شورای نگهبان و مشاوره رهبری را برعهده دارد و حق وضع قوانین ندارد؛ زیرا طبق قانون مرجع وضع قوانین فقط مجلس شورای اسلامی است.

با این اوصاف، تصمیمات نهاد «مجمع تشخیص مصلحت نظام» از باب «حکم حکومتی» مقدم و حاکم بر نهاد شورای نگهبان است از طرفی نیز اعضای آن صرفاً توسط ولی فقیه تعیین می‌شوند. (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۵۲ و ۴۵۷)

## ۲-۸. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

در اهمیت نیروهای مسلح و نقش ایشان در پیشبرد اهداف حکومت جای هیچ‌گونه تردیدی نیست لکن باید اعمال آنان مطابق با معارف اسلامی باشد و امام خمینی (ره) نیز در این خصوص می‌فرماید:

«این قوای انتظامی، اعم از سپاه پاسداران و ژاندارمری و ارتش و دیگران، باید خودشان را با اسلام منطبق کنند. افرادی که آن دید اسلامی را ندارند این اشخاص را باید تصفیه کنند. اشخاصی که دید اسلامی دارند، پذیرفته‌اند اسلام را لکن در عمل، عمل اسلامی ندارند، سرخود کارهایی که خودشان می‌خواهند می‌کنند، اینها هم باید هدایت بشوند و چنانچه مایوس

شدند سران از اینکه هدایت تأثیر بکند، تصفیه بشوند». (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۹)

## ۲-۹. مراکز تبلیغی (صدا و سیما و مطبوعات)

امام (ره) برای رسانه اهمیت خاصی قائل بوده و می‌فرماید:

«تبلیغات، که همان شناساندن خوبیها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدیها و نشان دادن راه گریز و منع از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است. (همان، ج ۲۱، ص ۳۳۹) باید اسلام را آنطور که هست معرفی کنند؛ مکلفند اینها... باید یک برنامه رادیویی برای معرفی اسلام تهیه کنند... و آنها در اذاعه و در رادیوها و در سایر مطبوعات نشر بدهند.» (همان، ج ۲، ص ۳۲)

به خاطر همین اهمیت تبلیغات است که سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران از موارد دخالت مستقیم رهبری در نهادهای خاص حکومتی بوده و رئیس سازمان صدا و سیما، مستقیم از طرف مقام رهبری منصوب می‌شود؛ زیرا اگر قرار بود این سازمان در اختیار یکی از قوای سه گانه کشور قرار بگیرد، عملاً با تفکیک قوا ماهیت مستقل و مامور ذاتی خود را از دست می‌داد. به همین دلیل تشکیلاتی مستقل و متمایز را متبادر به ذهن می‌سازد، تا آن جا که به رکن و قوه چهارم نظام تعبیر کرده‌اند. (ر.ک: هاشمی، ۱۳۷۵ش، ص ۶۲۱)

## ۳. مرزهای قدرت در نظریه جمهوری اسلامی

درباره مرزهای قدرت در «جمهوری اسلامی» تا کنون نظریه‌هایی مانند ملی‌گرایی اسلامی، صدور مطلق انقلاب و نظریه ام القری ارائه شده است. در نظریه ملی‌گرایی اسلامی نظریه حکومت جهانی واحد در زمان ظهور صاحب الزمان (عج) امری پذیرفته شده است و مطابق آن زمین پر از عدل و داد می‌گردد اما مطابق این نظریه در عصر غیبت آن حضرت باید بیشتر بر اهداف ملی و «خدمت به وطن از طریق اسلام» تمرکز نمود. (ر.ک: حقیقت، ۱۳۷۶ش، ص ۶۱-۶۳؛ بازرگان، ۱۳۶۱، ص ۲۹ و ۳۷)

این نظریه ارکان مهمی دارد که در بُعد داخل کشور در حوزه حفاظت از مرزهای جغرافیایی ملی، مشروعیت نظام، همت در ساختن جامعه‌ای پیشرفته و مطابق با شریعت اسلامی متمرکز بوده و در حوزه خارج از کشور نیز مبتنی بر حمایت از تمام مسلمانان با در نظر گرفتن قواعد و قوانین اخلاقی و دیپلماسی رایج در مجامع بین‌المللی است. (ر.ک: لاریجانی، ۱۳۶۹ش، ص ۹۲)

در نظریه دوم که «صدور مطلق انقلاب» است، وظیفه اصلی دولت اسلامی تلاش برای حمایت از آرمان‌های جهان‌گرایی اسلامی معرفی شده به طوری که برطرف شدن نیازهای مردم در داخل کشور به عنوان هدف فرعی در نظر گرفته شده است. از محورهای نظریه صدور انقلاب می‌توان به مواردی مانند مکتب‌گرایی، نفی علائق و سلائق ملی، تعرض به ابرقدرت‌ها و دولت‌های اسلامی منطقه، تکلیف‌گرایی و شهادت‌طلبی در ابعاد فردی و ملی اشاره نمود. در این نظریه حمایت و خدمت به مسلمانان و مظلومان جهان به عنوان مهمترین و اصلی‌ترین وظیفه و سیاست انقلاب و حکومت جمهوری اسلامی معرفی شده است. (ر.ک: همان، ص ۶۵-۶۹) این نظریه چنان وظیفه‌گرایی مکتبی را برجسته نموده که از ملی‌گرایی و توجه به شهروندان داخل کشور رویگردان شده و مطابق آن باید از هر گونه تأثیرگذاری وقایع و رویدادهای ملی بر اصول عقیدتی و ظلم ستیزی بین‌المللی جلوگیری نمود؛ زیرا هر ملتی که به وظیفه خود عمل نماید، بر فرض عدم حصول نتیجه نیز ضرری نکرده و در هر صورت «پیروزی یا شهادت» را پیش‌روی خود خواهد داشت.

سومین نظریه در تحلیل مرزهای قدرت در نظام جمهوری اسلامی؛ اندیشه‌ای است که تحت عنوان «ام القری» شناخته شده است. (همان، ص ۴۷-۴۹ و حقیقت، پیشین، ص ۷۰)

به طور کلی می‌توان نظریه ام‌القری را چنین خلاصه نمود که اگر کشوری به ام‌القرای جهان اسلام تبدیل شد، شکست یا پیروزی آن به منزله شکست یا پیروزی کل امت اسلام به حساب آمده و به همین دلیل نیز حفظ آن بر تمام امور ترجیح پیدا نموده و حتی در صورت لزوم، احکام اولیه را نیز می‌توان به خاطر آن به تعویق انداخت. (فیرحی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۶۱) با فرض

تبدیل شدن نظام جمهوری اسلامی به ام‌القری، در این صورت اگر بین حفظ اصل آن با صدور انقلاب تزامنی ایجاد شود، باید حفظ اصل نظام مورد توجه قرار گیرد. (لاریجانی، پیشین، ص ۱۱۶)

نظریات فوق، با وجود اشتراکاتی که با هم دارند، تمایزات ویژه‌ای نیز میان هر کدام از آنها با دیگری وجود دارد؛ در این میان نظریه ملی‌گرایی بر حفظ مرزهای جغرافیایی و «ملت اسلامی ایران» به مفهوم دولت - ملت توجه دارد. حال آنکه در نظریه صدور انقلاب، به طور ویژه بر استمرار «انقلاب اسلامی» و مفهوم «انقلاب دائم» لاقلاً در میان امت اسلام تأکید دارد و مصالح ملی را در درجات بعدی قرار می‌دهد. این در حالی است که نظریه ام‌القری، مفهوم «حکومت اسلامی» و مصلحت آن را بیش از هر چیز مدنظر قرار داده و اموری مانند امنیت ملی را نیز صرفاً به عنوان مقدمه و در راستای عدم تهدید ام‌القری جهان اسلام لازم می‌داند که حفظ آن از اوجب واجبات است.

با توجه به تحلیل‌های فوق، امام خمینی (ره) دیدگاه‌های به ظاهر متفاوتی درباره «مرزهای قدرت» در دولت جمهوری اسلامی دارد. اظهار نظرات ایشان در زمینه تأکید بر حفظ مرزهای ملی به گونه‌ای است که تا حدودی به نظریه ملی‌گرایی اسلامی شباهت دارد. «سیاست خارجی ایران با همه دولت‌ها بر حسب احترام متقابل است و هیچ فرقی بین دولت‌ها در این باره نیست. (ر.ک: فیرحی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۶۲) ایشان، در جایی دیگر اضافه می‌کند که «آنچه مسلم است ما ژاندارم منطقه نخواهیم بود ... در تمام زمینه‌ها، ما در جهت منافع مردم خود گام برمی‌داریم و با آنچه صلاح آنان و پاسخگوی آرمان اسلامی آنان باشد عمل می‌کنیم» (خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۵۶)

به گفته امام «سیاست دولت اسلامی، حفظ استقلال، آزادی ملت و دولت و کشور و احترام متقابل ... خواهد بود و فرقی بین ابرقدرتها و غیر آنها نیست». (همان، ص ۴۱۱) امام سرانجام می‌فرماید:

«در آینده سیاست خارجی ما بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و احترام متقابل خواهد بود ... ما براساس حفظ آزادی و استقلال، بدون قبول نقش ژاندارمی، با سایر مردم منطقه، امنیت آن را حفظ خواهیم کرد و مانع نفوذ ابرقدرتها خواهیم شد.» (همان، ص ۵۰۹)

امام خمینی (ره)، در کنار دیدگاه‌های مذکور که تقریباً بر حفظ مرزهای ملی قدرت تأکید داشت، در پیامی که به مناسبت سالگرد کشتار حجاج ایرانی و قبول قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۷ صادر کرد، در اظهاراتی به صورت آشکارا بر نظریه «انقلاب دائم» و صدور انقلاب تصریح نموده است. ایشان با ارائه نظریه «منگنه ذلت یا شهادت» تأکید می‌کند که ستمگران و متجاوزان به هیچ عنوان از جنگ و نبرد با مسلمانان دست برندخواهند داشت و هیچ گونه استقلال و آزادی برای امثال ما را نمی‌پذیرند؛ از دیدگاه دشمنان مرزی جز رویگردانی و دور نمودن جامعه اسلامی از تمام ارزش‌های معنوی و الهی وجود ندارد. حضرت امام (ره)، خطاب به تمام مسلمانان جهان می‌گوید:

«مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید؛ از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید که عزت و حیات در سایه مبارزه بوده و اولین گام در مبارزه اراده است» (همان، ج ۲۱، ص ۸۲)

حضرت امام خمینی (ره) در معرفی مردم ایران معتقد است که تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را ندارند هر چند مجبور به تحمل گرسنگی و تشنگی شوند و در این زمینه فرموده است: «جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان راه بیندازیم» (همان، ص ۸۵-۸۷)

ایشان در ادامه فرموده است:

«امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنگها و مرفهین بی‌درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم» (ر.ک: فیرحی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۶۳)

به هر حال، امام با چنین تحلیلی درباره وظایف فرا ملی دولت جمهوری اسلامی می‌نویسد:

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد ... و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.» (همان، ص ۹۱-۹۲)

عبارات فوق، آشکارا بر نظریه گسترش جهانی انقلاب اسلامی نظر دارد و امام در جای دیگر به صراحت می‌فرماید:

«من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم.» (همان، ج ۲۰، ص ۳۲۵)

امام در لابه‌لای همان پیام‌های آرمان‌خواهانه خود، به لزوم توجه به منافع ملی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم.» (همان، ج ۲۱، ص ۹۱)

البته این مطلب قابلیت تفسیرهای مختلفی دارد. زیرا ممکن است همسو با نظریه‌هایی مانند «نظریه ام القری» تحلیل گردد، چون صحبت از مصالح مملکت می‌تواند زمینه و مقدمه‌ای برای مصالح فراملی و به طور کلی در کل جهان اسلام باشد. (فیرحی، ۱۳۹۲ش، ص ۲۶۴)

در هر صورت، حضرت امام (ره) در نکاتی که قریب به نظریه ام‌القری هستند، تأکید می‌کند که «الآن چشم‌های همه مردم دنیا به ایران دوخته شده ... و اگر شکستی پیش آید خیال نکنید که این شکست برای ایران است، بلکه برای همه مستضعفین جهان واقع می‌شود». (خمینی، پیشین، ج ۱۸، ص ۴۳)

اشارات امام، به نوعی بر اهمیت حفظ مصالح ملی امت اسلام، معرفی ایران به عنوان ام‌القرا جهان اسلام و نیز رابطه دیالکتیکی و گره خوردن سرنوشت جمهوری اسلامی ایران با جهان اسلام استوار است. از این جهت، شاید بتوان آنچه که امام خمینی (ره) درباره مصلحت کشور بیان نموده، به طور کلی همانند ابزار و مقدمه‌ای برای زمینه سازی و تأمین مصالح جهان اسلام معرفی نمود. اما بیانات و تصریحات دیگری که از ایشان موجود است با تحلیل فوق فاصله بسیاری دارد. به عنوان نمونه ایشان می‌فرماید:

«ما به هیچ کشوری طمع نداریم و هیچ حقی نداریم و خدای تبارک و تعالی به ما اجازه نداده است که در هیچ کشوری دخالت بکنیم، مگر آنکه مثل دفاع باشد که امروز ما با این دولت فاسد عراق در حال دفاع هستیم. تمام کشورهای اسلامی بدانند که ایران ابداً نظری به کشورهای آنها ندارد. ایران برای جمعیت خودش همه چیز دارد و این طور نیست که یک کشور سرکش باشد که بخواهد همه چیز را در تحت سلطه خود بیاورد. ایران ... جز دفاع، جنگ ابتدایی با هیچ کس نخواهد کرد». (همان، ج ۱۶، ص ۳۹۳)

در هر صورت ظواهر دیدگاه‌های امام راحل (ره) در مورد مرزهای قدرت در نظام جمهوری اسلامی در ابعاد ملی و فراملی متفاوت بوده و به همین دلیل نیازمند بررسی و تبیین دقیقی است که پرداختن به آن در این مختصر نمی‌گنجد.



#### ۴. شبکه قدرت در نظام جمهوری اسلامی

در نظریه جمهوری اسلامی، شبکه قدرت به سه گروه «فعالان»، «حامیان منفعل» و «بی طرف‌ها» تقسیم می‌شود. از آنجا که نظریه جمهوری اسلامی بر اندیشه ولایت سیاسی یا همان «ولایت مطلقه فقیه» مبتنی است، از این رو موضوع اجتهاد به عنوان مهمترین شرط برای تصدی برخی مناصب در سطح رهبری و ریاست برخی نهادهای حکومتی معرفی شده و به همین دلیل محدودیت‌ها و خصایص ویژه‌ای در شبکه قدرت لحاظ می‌کند.

برخی مسائل مربوط به جنسیت، اقلیت یا گروه‌های خاص و حساسیت‌برانگیز در نظام جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته لکن تاکنون پاسخ قاطع و محکمی در میان فقهاء و صاحب‌نظران شیعی در این زمینه دریافت نشده است. در ادامه به سه گروه رفتاری در نظریه جمهوری اسلامی اشاره شده است:

##### الف) اقلیت‌ها یا افراد بی طرف.

در نظریه جمهوری اسلامی، شهروندان به دو دسته مسلمانان و غیر مسلمانان تقسیم می‌شوند. مطابق اصل ۱۳ و ۲۶ قانون اساسی، زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان به عنوان اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده‌اند و فقط این سه گروه در انجام مراسم‌های دینی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و صنفی آزاد هستند. امام خمینی (ره) پس از اطلاع نسبت به خطاب یکی از خبرنگاران که اهل سنت را اقلیت‌ها در قانون جمهوری اسلامی معرفی کرده بود فرموده است: «برادران اهل سنت هرگز از اقلیت‌های مذهبی نیستند». (همان، ج ۵، ۲۹۲) ایشان در وصیت‌نامه خود خطاب به اقلیت‌های مذهبی می‌نویسد:

«به اقلیت‌های مذهبی رسمی وصیت می‌کنم که از دوره‌های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلای خود را از اشخاص متعهد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیروابسته به قدرت‌های جهان‌خوار و بدون گرایش به مکتب‌های الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند». (همان، ج ۲۱، ص ۴۲۱)

برخی پژوهشگران در مورد دیدگاه امام نسبت به حقوق اقلیت‌های غیرمسلمان می‌گویند:

«اسلام آنها [اقلیت‌های مذهبی] را محترم شمرده است. ما به آنان تمام حقوقشان را می‌دهیم. آنان حق دارند در مجلس وکیل داشته باشند و آزادند به فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی بپردازند و آزادانه امور مذهبی خود را انجام دهند. آنان ایرانی هستند و مثل سایر ایرانیان در زیر چتر حکومت اسلامی زندگی با امنیت کامل خواهند داشت».(ر.ک: فیرحی، پیشین، ص ۲۶۶)

### ب) حمایت کنندگان.

در نظریه‌های قدیم اسلامی، حمایت کنندگان منفعل شامل طیف گسترده‌ای از مردان و زنان مسلمان شده لکن این دیدگاه دچار تحولات اساسی شده است. به عنوان نمونه در اندیشه‌های مشروطه شیعی، بخش عظیمی از گرایش‌های نخبه‌گرایانه به سود نوعی مردم‌سالاری در هم شکسته شد و در امور «غیر منصوص» رأی اکثریت را مشروعیت بخشید.

امام خمینی(ره) در تبیین دیدگاه خود در زمینه مردم‌سالاری چنین فرموده است:

«مردم در سراسر کشور در انتخاب فرد مورد نظر خود آزاد هستند؛ و احدی حق تحمیل خود یا کاندیداهای گروه یا گروه‌ها را ندارد. هیچ مقامی و حزبی و گروهی و شخصی حق ندارد به دیگران که مخالف نظرشان هستند، توهین کنند یا خدای نخواستہ افشاگری نمایند؛ گر چه همه حق تبلیغات صحیح برای خود یا کاندیداهای خود یا دیگران را دارند و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری از این حق نماید».(خمینی، پیشین، ج ۱۸، ص ۳۳۷)

با عنایت به مطالب فوق، در اندیشه‌های امام خمینی (ره)، هیچ یک از مسلمانان به قلمرو حمایت انفعالی رانده نشده، بلکه ایشان قائل به ایجاد بستری برای مشارکت فعال هر فرد مسلمان در زندگی سیاسی است. امام همچنین برای رأی اکثریت اعتبار شرعی قائل شده و تخلف نمایندگان از خواست اکثریت را روا نمی‌داند. ایشان در تحلیل اعتبار شرعی رأی اکثریت گام بیشتری برداشته و هرگونه مخالفت با آن را از مقوله فساد در زمین و حرام می‌داند.

به نظر حضرت امام همه باید مقید به پذیرش قانون باشند، هرچند برخلاف نظر آنان باشد...، ایشان در این زمینه می‌فرماید:

«برای اینکه میزان اکثریت است و همه ما باید بپذیریم. من هم ممکن است با بسیاری از چیزها، من که یک طلبه هستم، مخالف باشم. لکن وقتی قانون شد، خوب، ما هم می‌پذیریم. بعد از اینکه یک چیز قانونی شد، دیگر نق زدن در آن، اگر بخواهد مردم را تحریک بکند، مفسد فی الارض است؛ و باید با او دادگاه‌ها عمل مفسد فی الارض بکنند». (همان، ج ۱۴، ص ۳۷۷)

چنین عباراتی از امام نشان دهنده آن است که رأی اکثریت مردم در نظریه جمهوری اسلامی، اعتباری و ارزشی برابر با اندیشه دولت مشروطه اسلامی از دیدگاه مرحوم نائینی دارد.

### ج: جایگاه زن در نظریه جمهوری اسلامی.

نظریه جمهوری اسلامی امام خمینی (ره) برخلاف دیدگاه‌های مشروطه شیعه، در زمینه زنان پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است؛ به طوری که در اکثر زمینه‌ها، تفاوت‌های سنتی ناشی از جنسیت (زن/مرد) را در زندگی سیاسی جامعه اسلامی از بین می‌برد.

اندیشه‌ها و مواضع امام خمینی درباره فعالیت سیاسی زنان دگرگونی و تحولات مهمی را در قبل و بعد از انقلاب نشان می‌دهد. ایشان با توجه به برخی نابسامانی‌های اخلاقی ناشی از کشف حجاب در دوره پهلوی، آشکارا به مخالفت با حضور زنان در عرصه‌های سیاسی در قبل از انقلاب اسلامی پرداخته و با استناد به احکام اسلامی و قانون اسلامی مشروطه لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را مورد انتقاد قرار داده و از دیدگاه ایشان، دخالت زنان در انتخابات، یا اعطای حق رأی به زنان که توسط رژیم پهلوی در آن ایام طرح می‌شد، تعبیرات فریبنده‌ای بود که جز بدبختی و فساد و فحشا چیز دیگری به همراه نداشت؛ لذا، با صراحت می‌گفت: «تصویب‌نامه اخیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات از نظر شرع بی‌اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو است». (همان، ص ۱۴۹) زیرا امام خمینی (ره) قائل به نوعی ملازمه بین تحریم حق رأی زنان و گسترش فساد و فحشا بوده و از این جهت شرکت زنان در

انتخابات را نوعی فریب آنان به بهانه استقلال بخشی دانسته و در واقع آن را به عنوان مقدمه حرام (یعنی گسترش فحشا) تحریم می‌کرد.

ایشان بر اساس برداشت فوق، توضیح می‌دهد که «شاه زن‌ها را به فساد می‌کشاند و آنها را عروسک می‌خواهد بار بیاورد. مذهب با این فاجعه‌ها و دردها مخالف است، نه با آزادی زن». (همان، ج ۳، ص ۴۷۲) از این جهت، به محض فراهم شدن زمینه روابط اجتماعی نسبتاً مناسب میان زنان و مردان در عرصه عمومی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، حضرت امام نیز بر لزوم حضور زنان در انتخابات، مجلس و امثال آنها مطابق با احکام شرعی تأکید و اصرار نموده و می‌گوید: «زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان ایران نیز سهمی چون مردان دارند. ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد. البته جلوی فساد را می‌گیریم و در این مورد دیگر بین زن و مرد فرقی نیست». (همان، ج ۵، ص ۵۲۰) با این وجود باید توجه داشت که

«زن نباید ملعبه دست جوان‌های هرزه بشود. زنها نباید مقام خودشان را منحط کنند و خدای ناخواسته بزک کرده بیرون بیایند و در انظار مردم فساد قرار بگیرند. زنها باید کرامت داشته باشند و همان‌طور که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب نماید. در چنین وضعیتی اسلام زن را مثل مرد در همه شئون زندگی سهیم کرده است؛ زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت بکند». (ر.ک: فیرحی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۰۰-۳۰۱)

با بیان فوق، امام خمینی از طریق مذکور با نظریه‌های سنتی و حتی مشروطه درباره محدودیت حضور زنان در زندگی سیاسی آشکارا فاصله می‌گیرد.

#### د) فعالان سیاسی.

نظریه جمهوری اسلامی از آن جهت که فعالان سیاسی را به دو گروه مجتهدان مذهبی و منتخبان ملت تقسیم می‌کند، با اندیشه‌های مشروطه شیعه شباهت دارد. نظام جمهوری اسلامی

ایران، همواره با دو انتقاد اساسی از سوی طیف مذهبی سنتی و روشنفکرانی که حامی نظریه جدایی دین از سیاست و یا جدایی روحانیت از دولت هستند، روبرو بوده و هست. امام خمینی (ره) ضرورت دخالت همه اقشار ملت از جمله اقلیت‌های رسمی در سیاست را در پاسخ به چنین دیدگاه‌هایی، مورد تأکید قرار داده و می‌گوید:

«حرف ما این است که نه روحانی تنها، [بلکه] تمام قشرها باید در سیاست دخالت بکنند. سیاست یک ارثی نیست که مال دولت باشد، یا مال مجلس باشد، یا مال افراد خاصی باشد. سیاست معنایش همین وضع آن چیزهایی [است] که در یک کشوری می‌گذرد از حیث اداره آن کشور. همه اهالی کشور در این معنا حق دارند. خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند؛ تکلیفشان است. روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف آنها است. دین اسلام یک دین سیاسی است» (خمینی، پیشین، ج ۱۰، ص ۱۵)

این دیدگاه، که کم و بیش در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تکرار شده، تفسیر ویژه‌ای از مردم‌سالاری اسلامی و به خصوص شیعی را عرضه می‌نماید. به این معنی که در آن هیچ‌گونه محدودیت و ممنوعیتی برای حضور و فعالیت افراد جامعه در امور سیاسی لحاظ نشده و از طرفی نیز بر افزایش مجموعه فعالان سیاسی تأکید شده است.

بر اساس اصل ششم، نهم و بیست و ششم قانون اساسی «امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود و هیچ مقامی حق سلب نمودن آزادی‌های مشروع را از افراد جامعه ندارد و بر آزادی احزاب، جمعیت‌ها و تشکل‌های سیاسی و ... در چارچوب موازین اسلامی و وحدت ملی، و اساس جمهوری اسلامی تصریح شده است.

به هر حال، تمام تلاش نظریه جمهوری اسلامی آن است که حضور مجتهدان و فقهای اسلامی در سیاست و حکومت را با آرمان‌ها و نهادهای مردم‌سالاری جدید همراه و همنشین نماید؛ از این رو، مطابق آنچه در مقدمه قانون اساسی آمده، همه افراد جامعه حق مشارکت در تمام مراحل تصمیم‌گیری در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و سرنوشت‌ساز را دارند و از طرفی نیز

باید زمینه تحقق رهبری یکی از فقهای جامع شرایط به عنوان حاکم اسلامی فراهم گردد، تا موجب تضمین حفظ و نظارت بر عدم انحراف سازمان‌های گوناگون از وظیفه‌های اصیل اسلامی باشد.

### نتیجه‌گیری

به حکم عقل و آیاتی از قرآن کریم، فهم درست و اجرای صحیح اسلام ناب جز از طریق حاکمیت مرکزی شرعی امکان پذیر نیست. از سوی بزرگان تشیع برای برپایی حکومت اسلامی تلاشهای زیادی صورت گرفت که با پدید آمدن انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) و به دنبال آن، تشکیل جمهوری اسلامی در دوران معاصر، این مهم محقق شد.

نگارنده در این پژوهش سعی نمود در طی مباحثی به بررسی اصل حکومت اسلامی، بپردازد که در نتیجه آن بر اساس نگاه شیعی، «امامت» به عنوان نمونه عالی دولت اسلامی و از ارکان اعتقادی - و نه فروع فقهی - اسلام بوده و معتقدند که خداوند معصومین علیهم السلام را به منظور اداره نظام سیاسی و هدایت جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) انتخاب نموده و در عصر غیبت این نوع ولایت در قالب «ولایت فقیه» اعمال می‌شود.

از دیدگاه امام (ره)، «ولایت فقیه» از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق میشود، و چندان به برهان احتیاج ندارد؛ هرچند، استدلالهای عقلی و نقلی متعددی برای آن بر شمرده‌اند و به همین خاطر، در طول تاریخ تشیع هیچ فقیهی یافت نمی‌شود که بگوید فقیه هیچ ولایتی ندارد و تنها در شئون و محدوده اختیارات ولایت فقیه در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) نظرات ایشان متفاوت است و به طور کلی در سه نظریه «حسبه»، «انتخاب» و «انتصاب» خلاصه می‌گردند که در درون نظریه انتصاب برخی نصب ولایت را فقط در افتا و قضاوت قائلند و گروهی دیگر اضافه بر آن، ولایت در اجرای احکام قضایی و حدود الهی را نیز پذیرفته‌اند. از سوی دیگر، بسیاری از فقیهان ولایت عامه و مطلقه را اثبات نموده و معتقدند ولایت

اختصاصی به قضاوت یا اجرای حدود الهی ندارد، بلکه همه شئون حکومتی و سیاسی را شامل می‌گردد.

در نگاه امام، ولایت فقیه رکن اصلی نظام شیعه در دوره غیبت و مهم‌ترین عنصر و اساسی‌ترین نهاد ملحوظ در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران است و در عین حال سخن از تفکیک قوا یا روابط قوا، به دلیل جلوگیری از تمرکز نامشروع و فساد برانگیز قدرت به صورت جدی مطرح است؛ اما، این قوا نسبت به رهبری دارای استقلال نیستند.

در این تفکر به لحاظ مرزهای قدرت، سه نظریه ملی‌گرایی اسلامی، صدور مطلق انقلاب و نظریه ام‌القری مطرح شده است که اندیشه‌های امام درباره مرزهای ملی یا فراملی قدرت در نظام جمهوری اسلامی، ظهورات متفاوتی دارد. امام خمینی (ره) در خصوص فعالیت سیاسی معتقد است: احزاب و جمعیتها و انجمنهای سیاسی و اقلیتهای مذهبی آزادند مشروط به اینکه در این آزادی توطئه نکرده باشند و اصول جمهوری اسلامی را نقض نکنند.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن خلدون، مقدمه، ترجمه: پروین گنابادی، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ هشتم. بی تا
۲. الیاسی، مرتضی، مجله حکومت اسلامی، کنترل قدرت در حقوق اسلامی جمهوری اسلامی ایران تا سال شانزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰.
۳. بازرگان، مهدی، حکومت جهانی واحد؛ تهران: نشر پیام آزادی، ۱۳۶۱.
۴. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ سوم، ۱۳۷۷

۵. حقیقت، سید صادق، مسئولیت‌های فراملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی؛ تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۶
۶. خمینی، سخنرانی در جمع علمای نجف، صحیفه امام، جلد ۲.
۷. خمینی حکم انتصاب آقای احمد جنتی، صحیفه امام، جلد ۲۱.
۸. خمینی سخنرانی در جمع فرمانده سپاه و جمعی از پاسداران، صحیفه امام، جلد ۱۳.
۹. خمینی، روح الله، کتاب البیع، قم، انتشارات اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۱۰.
۱۰. خمینی، سخنرانی در جمع دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت، صحیفه امام، جلد ۱۷.
۱۱. خمینی، سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس، صحیفه امام، جلد ۱۲.
۱۲. خمینی، سید روح الله، الرسائل، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۵ ق؛ ج ۱.
۱۳. خمینی، سید روح الله، پیام به ملت ایران، صحیفه امام، جلد ۱۹.
۱۴. خمینی، سید روح الله، پیام به نمایندگان مجلس خبرگان، صحیفه امام، جلد ۱۸.
۱۵. خمینی، سید روح الله، پیام به نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، صحیفه امام، جلد ۱۸.
۱۶. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله؛ قم: اسماعیلیان، بی تا: ج ۱.
۱۷. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۵.
۱۸. خمینی، سید روح الله، کشف اسرار، دفتر نشر فلق، بی تا.
۱۹. خمینی، سید روح الله، وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی، صحیفه امام، جلد ۳.
۲۰. خمینی، سید روح الله، وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی، صحیفه امام، جلد ۴.
۲۱. خمینی، سید روح الله، وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی، صحیفه امام، جلد ۲۱.
۲۲. خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی) چاپ خانه بهمن، ۱۳۶۰.
۲۳. خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول،



۲۴. خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی؛ قم: انتشارات آزادی، بی تا.
۲۵. سبحانی، جعفر مفاهیم القرآن، فی معالم الحکومه، قم، چاپ اول، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۲۶. صفار، محمد جواد، آشنائی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ چهارم، ۱۳۷۲
۲۷. طباطبائی، سید محمدحسین، بررسی‌های اسلامی، به کوشش: سید هادی خسروشاهی،
۲۸. فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) قم، دفتر نشر معارف، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۴
۲۹. فیرحی، داود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت، چاپ دهم، ۱۳۹۲
۳۰. قاسمی پطروودی، سید مجید، حکومت دینی در اندیشه سیاسی توماس آکویناس و امام خمینی (س)، تهران، موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ۱۳۹۲
۳۱. قاضی‌زاده، کاظم، ولایت فقیه و حکومت اسلامی در منظر امام خمینی، نشر کنگره، چاپ اول، ۱۳۷۸
- a. قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، موسسه احیاء الکتب الاسلامیه، نور وحی، ۱۳۸۶، ج ۲
۳۳. لاریجانی، محمد جواد؛ مقولاتی در استراتژی ملی؛ تهران: مرکز ترجمه و نشر، ۱۳۶۹
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش و پاسخها، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷، ج ۱
۳۵. منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، چاپ اول: المرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، قم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱.
۳۶. نائینی، میرزا محمد حسین، تنبیه الأئمة و تنزیه المله، مقدمه و توضیح: سید محمود طالقانی، چاپ هشتم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸

۳۷. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، چاپ سوم، دارالکتب اسلامی، تهران ۱۳۶۲، ج ۲۱،

ص ۳۷۴.

۳۸. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲ قم، مجتمع آموزش

عالی قم، چاپ دوم ۱۳۷۵